

# جشنواره سورہ عبس

بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم

۲۰ تیر ۱۳۹۳ / ۱۳ رمضان ۱۴۳۵

به کوشش: علی نوری



دفتر فرهنگ معلولین  
دارالتفاهة للمعوقين  
Handicap Cultural Center

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر فرهنگ معلولین  
دارالثقافة للمعوقين  
Handicap Cultural Center

## جشنواره سوره عَبَسَ

بیست و دومین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم  
۲۰ تیر ۱۳۹۳ / ۱۳ رمضان ۱۴۳۵

به کوشش: علی نوری

تاریخ: تابستان ۱۳۹۴

ناشر: دفتر فرهنگ معلولین

قم، بلوار محمدامین، خیابان گلستان، کوچه ۱۱، پلاک ۴

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۴۵۲ فکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۵۲ همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵

www.HandicapCenter.com , info@handicapcenter.com

## فهرست

آغاز.....	۵
فصل نخست: برنامه‌ریزی و اقدامات پیش از اجلاسیه.....	۷
طراحی و مجوز.....	۹
علل انتخاب سوره عیس.....	۹
اعلام و ثبت نام.....	۱۱
فصل دوم: روز نشست.....	۱۳
محل برگزاری.....	۱۵
پذیرایی.....	۱۵
شروع و ختم برنامه‌ها.....	۱۶
داوری.....	۱۶
اعطای تقدیرنامه و جوایز.....	۱۶
تجربیات و نکته‌ها.....	۱۷
پس از مسابقه.....	۱۷
تقدیر از داوران و دست اندرکاران.....	۱۸
فصل سوم: اقدامات پس از اجلاسیه.....	۱۹
جشنواره در آینه مطبوعات.....	۲۱
اهدائات.....	۲۷
جمع بندی.....	۲۹
فصل چهارم: مستندات شرکت کنندگان.....	۳۱
فهرست نام‌های شرکت کننده.....	۳۳
زندگی نامه‌ها.....	۳۵
ضمائم.....	۴۷
تصاویر.....	۴۹
منابع مطالعاتی.....	۵۹



## آغاز

سوره عبس که بعضی از مفسرین آن را سوره اعمی نامیده‌اند، مهم‌ترین و محکم‌ترین متن دینی در بین همه ادیان و همه کتب آسمانی درباره دفاع از کرامت و حقوق نابینایان است. با بررسی‌هایی که در عهدین، اوستا و دیگر منابع دینی انجام یافت، هیچ متنی به استحکام و اهمیت سوره عبس نیست. از این‌رو مترصد بودیم که در زمان و شرایط مناسب همایش و جشنواره‌ای درباره این سوره برپا کنیم. تا اینکه دفتر فرهنگ معلولین در سال ۱۳۹۳ (رمضان / تیرماه) در نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم شرکت کرد و صاحب غرفه بود. از روز نخست اعلام کردیم و تبلیغ شد که روز ششم، جشنواره‌ای در این غرفه برپا می‌گردد.

خوشبختانه از جشنواره سوره عبس استقبال خوبی شد، حدود یک هزار جمعیت آمده بود و حدود پانصد مهمان رسمی دعوتی داشتیم. پس از اطعام و افطار مراسم شروع شده نخست توضیحاتی داده شد و سپس برگه‌های مسابقه پخش گردید و پس از اخذ اوراق، برندگان شناسایی و اعلام شدند و در همین جلسه جوایز اعطا گردید. شرح مراحل این مسابقه به تفصیل می‌آید.

لازم است از جناب حجت الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی که بانی اصلی این مسابقه بودند تشکر کنیم، در مرحله بعد حجت الاسلام محمدرضا حشمتی معاون محترم قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و جناب آقای احمد مسجد جامعی رئیس شورای شهر وقت تهران تشکر می‌شود که در همه مراحل این جشنواره مساعدت فکری و معنوی فرمودند و به هنگام اعطای جوایز حضور داشتند. البته آقایان و خانم‌های بسیار همکاری نمودند که ذکر نام همه آنها به اطاله کلام می‌انجامد اما نمی‌توانم از حجت الاسلام سید رضا حسینی امین، نویسنده معزز آقای حسین علی‌زاده، خانم موسوی دبیر بانوان قرآن پژوه و آقای محمد نوری مدیر محترم دفتر فرهنگ معلولین یاد نکنم.

روزها قیل و بعد جشنواره، مسئولیت و بار مشکلات بر دوش کارمندان و مدیران دفتر فرهنگ معلولین بود. آنان هر روز با زبان روزه در گرمای بالای ۴۰ درجه از قم به تهران رفته و به رسیدگی امور عرفه می‌پرداختند؛ شب دیر وقت به قم آمده و صبح هم سرکارشان بودند. اجرای این پروسه طی بیست و پنج روز کاری بس طاقت‌فرسا است. از این رو فرض است از خانم‌ها منصوره ضیایی‌فر، اعظم قاسمی، مریم قاسمی، الهه قاسمی، بتول صلواتی و آقایان محمود نورالدینی، احمد نورالدینی، سعید محمدیاری و اباذر نصر تشکر کنم.

ماندگاری و ثبت حوادث این جشنواره در تاریخ فرهنگ معلولان لازم است، از این رو گزارشی از برنامه‌ها و حوادث و حواشی در این دفتر آمده است.

علی نوری

فصل نخست:

## برنامه‌ریزی و اقدامات پیش از اجلاس

---

هر همایشی به لحاظ زمانی سه دوره دارد: دوره پیش از نشست، روز یا روزهای نشست و دوره بعد از نشست. تصور بعضی این است که همایش یعنی نشست و دو دوره دیگر در نظرشان اهمیتی ندارد. اما برنامه‌ریزی و اقدامات پیش از نشست و بسط تأثیرات و تبلیغ دستاوردهای پس از نشست مهم‌تر و مؤثرتر است. این فصل به برنامه‌ریزی و تصمیم‌های قبل از نشست می‌پردازد.



## طراحی و مجوز

اواسط خرداد از برپایی نمایشگاه قرآن با خبر شدیم، در جلسه‌ای با مدیران دفتر فرهنگ معلولین مسئله مطرح شد و پس از بررسی ابعاد آن، قرار شد شرکت کنیم. اولین مسئله کسب اجازه از حجت الاسلام و المسلمین آقای شهرستانی بود. یکی دو صفحه در باب ضرورت شرکت در این نمایشگاه نوشته شد و در فرصت مناسب تقدیم گردید و ایشان اجازه کلی دادند.

دفتر فرهنگ معلولین برای اولین بار می‌خواست در نمایشگاه بین‌المللی شرکت کند، غرفه داری کند و با جامعه هدف و عموم مردم رو در رو شود. موفقیت در این تجربه می‌توانست مسیر نو در سرنوشت این دفتر بگشاید. از این‌رو دغدغه‌های بسیار وجود داشت. این نمایشگاه چون ویژه قرآن بود باید کارهای نیمه‌کاره قرآنی و عترتی را تمام می‌کردیم و مجموعه آثاری را به نمایش می‌گذاشتیم که آبرومند باشد. از طرف دیگر غیر از غرفه داری به فکر اقدامات دیگری هم داشته باشیم. البته هر اقدامی لزوماً باید صبغه قرآنی و عترتی می‌داشت. بالاخره به این نتیجه رسیدیم در زمینه سوره عبس همایش بگذاریم. اما در باب چگونگی و ابعاد آن توافقی نبود و هر کس نظری داشت.

همایش بزرگ نیاز به امکانات و بودجه بسیار داشت و دفتر در شرایطی نبود که چنین بودجه‌ای را جذب کند. از طرف دیگر قرار نبود. از نهادهای دولتی مساعدت بگیریم یا از نیکوکاران درخواستی داشته باشیم. بالاخره به این نتیجه رسیدیم کار بزرگی را تدارک کنیم ولی با حداکثر صرفه‌جویی و قناعت.

## علل انتخاب سوره عبس

ماه مبارک رمضان موسوم به ماه قرآن و بهار قرآن و نمایشگاه بین‌المللی قرآن تأکید داشتند که سوژه جشنواره قرآنی باشد. اما در مجموعه آیات و سوره قرآن، سوره عبس ویژگی‌های منحصر به فردی دارد؛ کوتاه و قابل عرضه به عنوان موضوع یک همایش می‌تواند باشد. از طرف دیگر مفهوم و محتوایی روشن دارد به طوری که در حد فهم متعارف و عمومی است.

شأن نزول این سوره هم روشن است و مورخین و مفسرین درباره آن مفصل نوشته‌اند. خلاصه اینکه بهترین متن اسلامی در دفاع از حقوق و کرامت نایبانیان است. البته با تنقیح مناط و توسعه مفهومی این سوره می‌توان آن را به همه معلولین تعمیم داد.

لذا جهت آشنا نمودن نایبانیان و دیگر معلولین، سوره عبس ویژگی‌های مناسبی داشت. و می‌توانست برای اهداف زیر به کار آید:

۱- این مسابقه برای کشف استعدادهای درخشان توانخواهان و مددجویان عزیز در سراسر کشور بود و با مطالعه دقیق اوراق دریافت شده، هم از معلولین نخبه بیشتری برای تولید محصولات مرکز استفاده می‌شود و هم تولیدات ایشان بازنگری، تکمیل و تصحیح خواهد شد.

۲- این مسابقه راهی برای افزایش مهارت‌های ذهنی و نویسندگی شرکت‌کنندگان بوده است و جامعه معلولین را ترغیب می‌کند درباره موضوعات مختلف اطلاعات کسب کنند و مهارت‌های خود را افزایش دهند.

۳- این مسابقه با هدف گسترش مفاهیم و آموزه‌های قرآنی و دینی در جامعه معلولین کشور برگزار شد. بر اساس تجارب موجود اگر هر توان‌خواه در هر سال در چهار مسابقه شرکت کند، دانش، اطلاعات و مهارت‌های او چندین برابر افزایش می‌یابد و نیز رفتارها و کل شخصیت او مطلوب‌تر و پیشرفته‌تر خواهد شد.

۴- اما هدف مهم‌تر دفتر فرهنگ معلولین از اجرای این جشنواره و مسابقه قرآنی، جلب توجه همه آحاد جامعه از مردم تا مسئولین ارشد، مدیران و نیز خود معلولین به این نکته بود که قرآن کریم مدافع دیرینه و یاور و پشتیبان آنان بوده و هست. زیرا سوره عبس که گاه آن را سوره عمی (نایبنا) نامیده‌اند مهم‌ترین متن دینی در همه ادیان است که در آن از معلولین دفاعی جدی و درخشان شده است.

۵- معرفی معلولین نخبه به همگان و توجه مدیران دولتی به وضعیت معلولین، هدف دیگر این جشنواره بوده است. زندگینامه و عکس افراد شرکت‌کننده و افراد برتر در یک فصل مستقل برای همه نهادهای فرهنگی و معلولیتی جهان ارسال خواهد شد.

۶. بالاخره آخرین هدف از برگزاری این جشنواره ابلاغ پیام قرآنی در دفاع از معلولین بود به همه جهان از زبان و به قلم خود معلولین. از این رو اوراق دریافت شده به ویژه اوراق برتر به یاری خدا در یک کتاب به چند زبان منتشر می‌شود. مجموعه دلایل فوق موجب شد که دست به کار شده و مقدمات کار را فراهم آوریم. یعنی هم در نمایشگاه، غرفه بگیریم و هم همایشی به نام جشنواره سوره عبس در روز ۱۳ رمضان برگزار کنیم.

### اعلام و ثبت نام

از روز نخست نمایشگاه اعلام نمودیم که جشنواره‌ای به روش مسابقه نوشتاری و ارائه مطالب کتبی پیرامون سوره عبس در جمعه ۲۰ تیرماه (۱۳ رمضان) در محل غرفه دفتر فرهنگ معلولین در بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم تهران برگزار می‌شود و به ده نفر از برترین نوشته‌ها جوایز نفیسی توسط هیئت داوران اختصاص می‌یابد که از سوی رئیس شورای شهر تهران جناب آقای مسجد جامعی و معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای حشمتی اهدا می‌گردد.

نیز اعلام شد که متقاضیان شرکت در این جشنواره تا آخرین مهلت برای ثبت نام سه شنبه ۱۷ تیرماه می‌توانند ثبت نام نمایند. ثبت نام در این مسابقه شرایط خاصی ندارد. فقط باید معلولیت شرکت کننده از طریق کارت بهزیستی یا هر مدرک دیگر احراز گردد. شرط دوم این است که بتوانند شعری، متنی ادبی یا مطلبی درباره سوره عبس بنویسند یا به دستیارشان بگویند تا بنویسد.

پس از گذشت دو هفته متوجه شدیم به دلیل ماه مبارک رمضان و مشکل تردد و سفر، آمدن افراد از شهرهای دور بسیار مشکل است. از این رو اعلام کردیم برای شهرهای دورتر از تهران، بعداً مسابقه را از طریق شبکه مجازی اعلام می‌کنیم و فقط معلولین تهران و شهرهای اطراف ثبت نام نمایند. در مجموع حدود پانصد نفر مراجعه کننده داشتیم و از بین آنان دویست نفر ثبت نام شدند. نیز قرار شد روز جمعه به صورت گروهی تشریف بیاورند و هزینه حمل و نقل و تردد را دفتر فرهنگ معلولین بپردازد.

بدین ترتیب، دویست نفر از معلولین نخبه از شهرها کرج، شهریار، تهران، اصفهان، دماوند، طالقان، آبیگ، قم و کاشان روز جمعه ۲۰ تیرماه گردهم آمدند و نخستین مسابقه قرآنی حضوری معلولین را شکل دادند.

فصل دوم:

**روز نشست**

---

جمعه سیزدهم ماه مبارک رمضان (۲۰ تیرماه ۱۳۹۳) به عنوان روز برگزاری جشنواره اعلام شد. ریز برنامه‌ها از ابتدا تا انتها مکتوب شد و تبلیغات آغاز شد. هر روز، کسانی که به غرفه می‌آمدند، دعوت می‌شدند؛ نیز با تماس با شخصیت‌های نخبه، دعوت می‌شدند؛ به ویژه از افراد مؤثر در فرهنگ معلولین خواسته می‌شد حتماً تشریف بیاورند.

بالاخره روز موعود فرا رسید. هر روز نمایشگاه از ساعت ۳ تا ده شب باز بود. چون مدعوین روزه بودند و تابستان و گرمای شدید آزار دهنده بود. از این رو مراسم با افطار و پذیرایی آغاز می‌شد ولی برنامه اصلی یعنی مسابقه به بعد از افطار موکول شد. یعنی یک ساعت پس از اذان مغرب و عشاء، آغاز شد و یک ساعت ادامه یافته و پس از آن ختم همایش اعلام گردید.

روز جمعه بود و آحاد جامعه هدف از ساعت ۴ شروع به آمدن کردند به طوری که به هنگام اذان محوطه مملو از جمعیت بود.

## محل برگزاری

محل نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم در ۱۳۹۳ از سالن حجاب بین خیابان‌های فاطمی و بلوار کشاورز، خیابان حجاب به بزرگراه شهید حقانی موزه دفاع مقدس منتقل شد. محل جدید مجموعه‌ای از دره عمیق و تپه‌ها است. البته بسیار مناسب سازی شده و امکان تردد آسان شده است ولی به هر حال هنوز ورودی دستشویی‌ها پله دارد و کلاً محیط نمایشگاه مناسب سازی نشده است.

البته دارای محاسن بسیاری هم هست. چون محیط کوهستانی است، دارای لطافت هوا و آب و هوای مطبوع و چمن و درختکاری فراوان است.

در این مجموعه چند سالن و محل برگزاری همایش هست ولی موفق نشدیم سالن بگیریم و قرار شد در محوطه باز و جلوی غرفه مراسم را اجرا کنیم. جلوی غرفه خیابان و بعد از خیابان، محوطه چمن کاری ولی با شیب تند به طرف دره بود.

با مدیریت هماهنگی شد تا پانصد صندلی در خیابان چیده شود و مراسم همانجا برپا شود و مراسم در محیط باز برگزار گردد. حُسن برپایی مراسم در محوطه باز، افزایش تأثیر اجتماعی آن است. چون در مسیر تردد بازدیدکنندگان بود و صدها نفر از این خیابان گذر می‌کردند، خواهی نخواهی برنامه را هم مشاهده می‌کردند. ولی کنترل آن کاری بس دشوار و گاه غیر ممکن بود. به ویژه مأمورین و مسئولین نمایشگاه و موزه بعضاً مانع تراشی می‌کردند. اما با کمک خود مردم و شرکت کنندگان مشکلات تا حدّ زیاد مرتفع گردید.

## پذیرایی

پس از اذان مغرب و عشاء، پخش چای و آب جوش شروع شد، نیز در حدّ وفور آب‌های یکبار مصرف پخش شد. پس از آن بسته‌های اطعام پخش شد و به همه رسید. بسته اطعام شامل نان، پنیر، خرما، حلوا ارده بود. مجموعه جامع و مکفی و خوشمزه تدارک دیده بودند.

حدود بیست دقیقه بعد از اطعام، غذای گرم شامل چلو گوشت در بسته‌بندی داده شد. این بار کنترل بسیار مشکل و افراد غیر میهمان آمده بودند. بالاخره پس

از اطعام و تناول شام، برنامه‌های اصلی جشنواره آغاز شد.

## شروع و ختم برنامه‌ها

پس از اطعام و افطاری مسابقه در ساعت ۲۱ آغاز شد. نخست مجری برنامه توضیحات لازم را درباره سوره و روش مسابقه بیان کرد و گفت: سوره عبس و ۱۲ آیه نخست آن که مستقیماً به معلولین مرتبط است، از نظر قرائت، حفظ، تجوید، تفسیر، شعر و ادبیات و هنر به مسابقه گذاشته می‌شود و قرار است قرائت و تجوید و حفظ را در یک مسابقه مستقل دیگر اعلام کنیم و این مسابقه فقط، درک و فهم از محتوای این سوره را نشان دهد. از این‌رو هر شخصی حداقل سه بیت شعر، یا پنج سطر نثر یا ده سطر تحلیل محتوایی در برگه‌های پخش شده بنویسد و تحویل دهد. و در ساعت ۲۲ اوراق مخصوص پخش شد. در زمانی که شرکت کنندگان مشغول نوشتن بودند، گروه سرود نابینایان تهران، سرود زیبایی اجرا کرد، سپس گروه سرود ناشنوایان قم برنامه زیبایی ارائه کردند به طوری که همه را تحت تأثیر قرار دادند. ساعت ۲۲/۳۰ اوراق جمع‌آوری شد و نزد داوران برده شد.

## داوری

داوران این مسابقه عبارت بودند از حجت الاسلام سید رضا حسینی امین، دکتر نجله خندق، آقایان علی اکبر جمالی، محمد نوری، اباذر نصر. ۴ نفر ناظر یعنی خانم‌ها ملیحه موسوی، واحدی، حسینی و معتمدی هم حضور داشتند.

آقای جمالی و خانم خندق چون نابینا بودند با دستیار کار کردند و در واقع امضای خود را واگذار نمودند. اوراق مسابقه، به سرعت و با دقت مطالعه و نمره‌گذاری شد و بالاخره ده نفر برگزیده شدند.

## اعطای تقدیرنامه و جوایز

در این مرحله این ده نفر به عنوان برگزیده جشنواره قرآنی عبس معرفی و



تجلیل شدند: آقایان و خانم‌ها منصور شادکام، رضا احیایی، معصومه سبحانی، اعظم طیبی، ابوالفضل قاسمی، سید محسن حسینی طه، عصمت باقریان، الهام رشیدی، مهدی صادقی و سید حسین طباطبایی به عنوان برگزیدگان جشنواره قرآنی عبس معرفی شدند. تقدیرنامه‌ها همراه با یک جلد قرآن کریم و مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال وجه به صورت کارت هدیه از طرف حجت الاسلام و المسلمین سید جواد شهرستانی برای این افراد تخصیص یافته بود و توسط آقایان حشمتی، مسجد جامعی و سید رضا حسینی امین تقدیم برگزیدگان شد.

### تجربیات و نکته‌ها

معلولین عزیز و نهادهای معلولیتی یک بار دیگر نشان دادند که با حداقل فرصت، امکانات و کوچکی فضای محل برگزاری نیز می‌توانند زیباترین رخدادها را بیافرینند. مسئولین عالی مقام در این جلسه به نظم، درایت، معنویت و استعدادهای این افراد بیش از پیش واقف شدند و اقرار می‌کردند که باید برای آنان کارهای جدی‌تری انجام شود.

این برنامه با استقبال خوبی مواجه شد و همه نایبانیان و معلولین شرکت‌کننده به کمک دستیار متن‌هایشان را در وقت تعیین شده بر روی برگه‌های مسابقه نوشتند.

### پس از مسابقه

نایبانیان و دیگر اعضای جامعه هدف در نشست صمیمی با رئیس شورای شهر تهران آقای احمد مسجد جامعی و نیز چند تن از مسئولین وزارت فرهنگ و ارشاد به درد دل و بیان پاره‌ای مسائل پرداختند. بعضی نامه‌هایی داشتند و به مسئولین دادند. بالاخره جو آرام و دلنشینی بود. حدود یک ساعت پس از ختم برنامه‌ها هنوز رفت و آمد در محل جشنواره جریان داشت.

## تقدیر از داوران و دست اندرکاران

از پنج تن که در داوری تلاش نموده بودند و نیز پنج تن از کسانی که در برپایی این جشنواره مساعدت کرده بودند تقدیر شد و جوایز همراه با لوح تقدیر اعطاء گردید.

فصل سوم:

## اقدامات پس از اجلاس

در روزهای پس از جشنواره، مدیریت جشنواره چند مصاحبه با سایت‌ها و خبرگزاری‌ها داشت که اینجا می‌آوریم.

در مجله توان‌نامه و برخی از دیگر جراید منعکس شد که عیناً نقل می‌شود، نیز متن لوح‌های تقدیر به آقایان حشمتی و مسجد جامع‌ی در ادامه آمده است.

نیز جمع‌بندی از نشست و تجزیه و تحلیل تجارب انجام شد.

## جشنواره در آینه مطبوعات

وقتی سخن از مشکلات جامعه هدف به میان می‌آید، اغلب می‌گویند فرهنگ سازی لازم است. فرهنگ سازی یک روزه به دست نمی‌آید بلکه به برنامه‌ریزی، ایجاد رخدادهای کوچک، فضا سازی، تبلیغ، تجزیه و تحلیل رخدادهای و موضوعات در قالب مقاله و کتاب نیاز دارد و فرایندی طولانی است. چنین جشنواره‌های مردمی می‌توانند در فرهنگ سازی مؤثر شود در صورتی که نخبگان و جوامع مرجع مثل خبرنگاران و تحلیل‌گران به کمک بیایند. متأسفانه اگر یک وزیر یا صاحب مقامی در جایی باشد، ده‌ها خبرنگار حاضر می‌شوند، اما اگر یک رخداد فرهنگی و اجتماعی ولی مردمی باشد، رسانه‌ها کمتر حضور پیدا می‌کنند. در مورد این جشنواره، خبرنگاران و اصحاب جرأید می‌توانستند بیایند با افرادی که معلولیت دارند ولی صاحب تجربه و پیشرفت می‌باشند مصاحبه کنند و نظریات آنها را منعکس نمایند. همچنین جمع‌های کوچک به گفت‌وگو بپردازند و بالاخره این سوژه قرآنی را تبدیل به یک فرهنگ قابل عرضه به جهان نمایند. بهر حال خبرنگارانی که آمدند مأجور باشند و گزارش‌هایی را زحمت کشیدند. اما در بسط و گسترش اندیشه‌هایی که در این جشنواره وجود داشت، تبلیغاتی انجام یافت و چند گزارش منتشر گردید.



### برگزاری جشنواره قرآنی سوره «عبس» در نمایشگاه قرآن

ملیحه سادات موسوی، مدیر بخش بانوان بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی قرآن در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، با بیان این خبر گفت: جشنواره قرآنی سوره «عبس» طی روز جمعه، ۲۰ تیر مصادف با ۱۳ ماه رمضان ساعت ۲۲ در بخش بانوان این نمایشگاه برگزار می‌شود. وی درباره نحوه برگزاری جشنواره قرآنی سوره عبس اظهار کرد: این جشنواره

قرآنی ویژه توان خواهان با محوریت شعر، نثر و درک محتوایی از مطلب در دفتر فرهنگ معلولین برگزار می‌شود.

موسوی افزود: این جشنواره ویژه نابینایان، ناشنوایان و معلولان جسمی است و متقاضیان برای ثبت نام می‌توانند به دفتر فرهنگ معلولین واقع در نمایشگاه مراجعه و یا از طریق پایگاه اینترنتی دفتر فرهنگ معلولین به نشانی [www.handicapcenter.com](http://www.handicapcenter.com) اقدام کنند.

مدیر بخش بانوان بیست و دومین نمایشگاه قرآن با اشاره به شرکت داوران قرآن گفت: برای داوری این دوره از جشنواره قرآنی از داوران ممتاز استفاده می‌شود؛ شرکت کنندگان این جشنواره قرآنی تنها در حوزه شعر، نثر و درک محتوایی از مطالب ۱۰ آیه اول سوره عبس به رقابت با یکدیگر می‌پردازند.

وی با بیان شرکت ۱۸۰ نفر در جشنواره قرآنی سوره عبس مطرح کرد: تاکنون ۵۰۰ نفر ثبت نام کرده‌اند که در این میان، ۱۸۰ نفر به عنوان نخبگان قرآنی در این دوره از جشنواره حضور می‌یابند.

موسوی در پایان یادآور شد: پس از برگزاری این جشنواره قرآنی به نفرات ممتاز به رسم یادبود، جوایزی اهداء خواهد شد.  
منبع: خبرگزاری قرآنی ایگنا، ۱۷ تیر ۱۳۹۳.



## گزارش تصویری جشنواره سوره مبارکه عبس ویژه معلولین و نابینایان



منبع: خبرگزاری قرآنی ایگنا، ۲۱ تیر ۱۳۹۳.



## جشنواره سوره عَبَسَ

ویژه معلولان نخبه سراسر کشور

بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم ۲۰ تیر ۱۳۹۳ / ۱۳ رمضان ۱۴۳۵

غرفه دفتر فرهنگ معلولین

شعر، نثر، درک محتوایی

این جشنواره به روش مسابقه نوشتن مطالب پیرامون سوره عبس در جمعه ۲۰ تیرماه (۱۳ رمضان) در محل غرفه دفتر فرهنگ معلولین در بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم تهران برگزار شد و به ده نفر از برترین نوشته‌ها جوایز نفیسی توسط هیئت داوران اختصاص یافت و توسط رئیس شورای شهر جناب آقای مسجد جامعی و معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جناب آقای حشمتی اهداء گردید.

### ویژگی‌های این جشنواره چند نکته مهم است:

- ۱- این مسابقه برای کشف استعدادهای درخشان توان خواهان و مددجویان عزیز در سراسر کشور بود و با مطالعه دقیق اوراق دریافت شده، از معلولین نخبه بیشتری برای تولید محصولات مرکز استفاده می‌شود و هم تولیدات بازنگری، تکمیل و تصحیح خواهد شد.
- ۲- این مسابقه راهی برای افزایش مهارت‌های ذهنی و نویسندگی شرکت کنندگان است و جامعه معلولین را ترغیب می‌کند درباره موضوعات مختلف اطلاعات کسب کنند و مهارت‌های خود را افزایش دهند.
- ۳- این مسابقه با هدف گسترش مفاهیم و آموزه‌های قرآنی و دینی در جامعه معلولین کشور برگزار شد. بر اساس تجارب موجود اگر هر توان خواه در هر سال در چهار مسابقه شرکت کند، دانش، اطلاعات و مهارت‌های او چندین برابر افزایش می‌یابد و نیز رفتارها و کل شخصیت او مطلوب‌تر و پیشرفته‌تر خواهد شد.
- ۴- اما هدف بسیار مهم دفتر فرهنگ معلولین از اجرای این جشنواره مسابقه توجه همه آحاد جامعه از مردم تا مسئولین ارشد و مدیران و نیز خود معلولین به این نکته که قرآن کریم مدافع و یاور و پشتیبان آنان بوده و هست، زیرا سوره عبس که گاه آن را سوره اعمی (نابینا) نامیده‌اند مهم‌ترین متن دینی در همه ادیان است که در آن از معلولین دفاع جدی شده است.
- ۵- معرفی معلولین نخبه به همگان و توجه مدیران دولتی به وضعیت معلولین هدف دیگر این جشنواره بوده است. زندگینامه و عکس افراد شرکت کننده و افراد برتر در یک فصل مستقل برای همه



نهادهای فرهنگی و معلولیتی جهان ارسال خواهد شد.

۶- بالاخره آخرین هدف از برگزاری این جشنواره ابلاغ پیام قرآنی در دفاع از معلولین به همه جهان از زبان و به قلم خود معلولین. یعنی اوراق دریافت شده به ویژه اوراق برتر در یک کتاب به چند زبان منتشر می‌شود.

### شرایط ثبت نام و شهرهای شرکت کننده

از یک ماه قبل اعلام شد هر کس می‌خواهد در این جشنواره شرکت نماید ثبت نام نماید. آخرین مهلت برای ثبت نام سه شنبه ۱۷ تیرماه اعلام شد. ثبت نام در این مسابقه شرایط خاصی نداشت. فقط باید معلولیت شرکت کننده از طریق کارت بهزیستی یا هر مدرک دیگر احراز می‌شد. شرط دوم این بود که بتوانند شعری یا مطلبی درباره این سوره بنویسند یا به دستیارشان بگویند تا بنویسد. پس از گذشت دو هفته متوجه شدیم به دلیل ماه مبارک رمضان و مشکل تردد و سفر، آمدن افراد از شهرهای دور بسیار مشکل است. از این رو اعلام کردیم برای شهرهای دورتر از تهران، بعداً مسابقه از طریق شبکه مجازی اعلام می‌کنیم و فقط معلولین تهران و شهرهای اطراف ثبت نام نمایند. در مجموع حدود پانصد نفر مراجعه کننده داشتیم و از بین آنان دویست نفر ثبت نام شدند، نیز قرار شد روز جمعه به صورت گروهی تشریف بیاورند و هزینه حمل و نقل و تردد را دفتر فرهنگ معلولین بپردازد.

دویست نفر از معلولین نخبه از شهرهای کرج، شهریار، تهران، اصفهان، دماوند، طالقان، آبیک، قم و کاشان روز جمعه ۲۰ تیرماه تجمع کردند و نخستین مسابقه قرآنی حضوری را شکل دادند.

### محتوای مسابقه

سوره عبس و ۱۳ آیه نخست آن که مستقیماً به معلولین مرتبط است، از نظر قرائت، حفظ، تجوید، تفسیر، شعر و ادبیات و هنر به مسابقه گذاشته شد. قرار شد قرائت و تجوید و حفظ را در یک مسابقه مستقل دیگر اعلام کنیم و این مسابقه فقط، درک و فهم از محتوای این سوره را نشان دهد. از این رو اعلام شد، هر شخصی حداقل سه بیت شعر، یا پنج سطر نثر منظوم یا ده سطر تحلیل محتوایی بنویسد به مرحله دوری می‌رود.

این برنامه با استقبال خوبی مواجه شد و نایبناها به کمک دستیار متن‌هایشان را بر روی برگه‌های مسابقه نوشتند.

### آغاز مسابقه

پس از اتمام و افطاری مسابقه در ساعت ۲۱ آغاز شد. نخست مجری برنامه توضیحات لازم را گفت و در ساعت ۲۲ اوراق مخصوص پخش شد. در زمانی که شرکت کنندگان مشغول نوشتن بودند، گروه سرود نایبناهای تهران، سرود زیبایی اجرا کرد، سپس گروه سرود ناشنویان قم آمد و برنامه زیبایی داشتند به طوری که همه را تحت تأثیر قرار دادند.

ساعت ۲۳ اوراق جمع‌آوری شد و نزد داوران برده شد.

### داوری

داوران این مسابقه عبارت بودند از حجت الاسلام سید رضا حسینی امین، دکتر نجله خندق، آقایان علی اکبر جمالی، محمد نوری، اباذر نصر.

۴ نفر ناظر یعنی ملیحه موسوی، واحدی، حسینی و معتمدی هم حضور داشتند. آقای جمالی و خانم خندق چون نایبنا بودند با دستیار کار کردند و در واقع امضای خود را واگذار نمودند.

به سرعت و با دقت اوراق مطالعه و نمره گذاری شد و بالاخره ده نفر برگزیده شدند.

### اعطای تقدیرنامه و جوایز

ده نفر به عنوان برگزیده جشنواره قرآنی عبس معرفی و تجلیل شدند. منصور شادکام، رضا احمایی، معصومه سبحانی، اعظم طیبی، ابوالفضل قاسمی، سید محسن حسینی طه، عصمت باقریان، الهام رشیدی، مهدی صادقی و سید حسین طباطبائی به عنوان برگزیدگان جشنواره قرآنی عبس معرفی شدند. تقدیرنامه‌ها همراه یک جلد قرآن کریم و مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال وجه به صورت کارت هدیه از طرف حجت الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی برای این افراد تخصیص یافته بود و توسط آقایان حشمتی و مسجد جامعی و سید رضا حسینی امین تقدیم برگزیدگان شد.

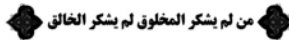
### تجربیات و نکته‌ها

معلولین عزیز و نهادهای معلولیتی نشان دادند با حداقل امکانات و کوچکی فضای محل برگزاری نیز می‌توانند بزرگترین رخدادهارا بیافرینند. مسئولین عالی مقام در این جلسه به نظم، درایت و استعدادهای این افراد بیش از پیش واقف شدند و اقرار می‌فرمودند باید برای آنان کارهای جدی‌تر انجام شود.

منبع: سایت دفتر فرهنگ معلولین، ۲۴ تیر ۱۳۹۳.

## اهدائات

مدیریت جشنواره به توصیه ریاست محترم، لوح‌هایی در تشکر از زحمات و خدمات حجت الاسلام حشمتی و استاد مسجد جمعی و نیز تقدیرنامه‌هایی از هیئت داوران و خادمان این جشنواره آماده و تقدیم نمود. محتوای الواح سخنی از امام علی علیه السلام و مشتمل بر دستورات حضرت به دولتمردان درباره معولین است. این اقدامات چند روز پس از نشست انجام و تقدیم گردید. لوح تشکر از حجت الاسلام محمدرضا حشمتی



معاونت محترم قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

### جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای محمدرضا حشمتی نیدیزه

خدمات حضرتعالی در مسئولیت‌های مختلف به ویژه در دوره معاونت قرآن و عترت ظهور و تجلی ویژه داشته است. استحضر دارید نمایانین روشندل و ناشنویان پاک سرشت و دیگر توان خواهان مجاهد از دوره رسالت تاکنون همواره در عرصه ترویج قرآن و حدیث کوشیده و صدها مفسر، قاری، حافظ و راوی برجسته از این جامعه ظهور کرده‌اند.

حضرت استاد حشمتی شما همواره حامی توان خواهان بودید و آثار ماندگاری در قلوب و نیز در میراث این جامعه بر جای نهادید. جهت سپاس از مساعدت و تدبیر حضرتعالی در برپایی جشنواره سوره عبَس ویژه معولین نخبه سراسر کشور در بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم فرازی از سخن حضرت امیر(ع) توسط دفتر فرهنگ معولین به نیابت از توان خواهان و جمعی از نهادهای مردمی تقدیم می‌گردد.

با احترام  
محمد توری  
دفتر فرهنگ معولین  
۱۳۹۲/۷/۲۰

### حضرت علی(ع) درباره معولین به ملک التترزاه معسر معرفیید:

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي فِيهِ الْوَيْطُكَ السُّقْمَى مِنَ الدِّينِ لَا حَيْلَةَ لَهُمْ وَالْمَسْكِينِ وَالْمَسْتَخْفِينَ وَأَهْلَ الْوَيْسَى وَالرِّمَى، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَائِعًا وَمَسْتَرًا وَأَخْفَظَ لَهُ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِمْ، وَأَجْمَلَ لَهُمْ فِسْقًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ، وَقَسَا مِنْ غَلَاتِ صِرَافِي الْأَسْلَامِ فِي كُلِّ بَدَأٍ، فَإِنَّ لِأَنْفُسِي مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِأَدْنَى، فَلَا يَشْفَعُكَ عَنْهُمْ بَطْنٌ، فَلَا تُشْفِعُنَّ حَنَكَ عَنْهُمْ، وَلَا تُصَفِّرُ حَدَكَ لَهُمْ، وَتَقْدِّدُ أَمْرًا مَنْ لَا يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مَنْ تَقْتَحِمُهُ الثُّرُوبُ وَتَخْرُؤُ الْإِجَالِ، فَتَرَى لَأَوْلِيكَ تَقْتَكُ مِنْ أَهْلِ الْخَشْيَةِ وَالرِّضَاعِ، فَتُرَاقِعُ إِلَيْكَ أَمْرًا، وَذَلِكَ عَلَى الْوَلَاةِ قَبْلَ، وَالْحَقُّ كُلُّهُ قَبْلُ، وَقَدْ بَقِلْتَهُ اللَّهُ عَلَى أَقْوَامٍ طَبَّرُوا الْعَابِيَةَ فَصَبَرُوا أَنْفُسَهُمْ، وَوَقَرُوا بِصِدْقِ مُؤَعَّدِ اللَّهِ لَهُمْ، وَأَجْعَلَ لَدُنِّي الْإِعَابَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تَنْزِعُ لَهُمْ فِيهِ خُصْفَكَ، وَتَجْلِسُ لَهُمْ تَجْلِيسًا عَامًا، فَتُرَاضِعُ فِيهِ لَهَ الَّذِي حَلَقَكَ، وَتَعُدُّ عَنْهُمْ حُنُوكَ وَأَعْرَابِكَ مِنْ أَخْرَاسِكَ وَشُرَطِكَ، حَتَّى يَكَلِّفَكَ مَسْئَلَتَهُمْ عُنْدَ مُتَعَمِّقٍ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ: «لَنْ تَقْدَسَ أُمَّةٌ لَا يُؤَخِّدُ لِصُغْبٍ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوَى غَيْرَ مُتَعَمِّقٍ، ثُمَّ اخْتَلَى الْحَرْقُ مِنْهُمْ وَالْعَمَى، وَاسْتَعَى فِي إِجْمَالٍ وَإِعْدَارٍ»

آنگاه در خصوص طبقه گرفتار و محروم جامعه، که همه درها به روی آنها بسته است به تو هشدار می‌دهم؛ این طبقه عبارتند از: فقیران، نیازمندان، افراد زمین‌گیر، خاطر پریشان‌ها یا دردمندان. همانا گروهی از این طبقه، خویششان داری کرده، اما گروه دیگر به گدایی اقدام کرده‌اند. پس به خاطر خدا پاسدار حق باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است؛ بخشی از بیت‌المال، و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به این طبقه اختصاص ده. زیرا تفاوتی بین خودی و غیر خودی نیست و دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی از بیت‌المال دریافت می‌کنند. مبادا سر مستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد، بلکه همواره در فکر مشکلات آنان باش و به آنان اطمینان بده و ویژه کسانی که از چشم‌ها دوراند و در منظر و مرئی نیستند، اولویت داشته و بیشتر سزاوار رسیدگی می‌باشند، چون دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترس می‌دارند. برای این گروه، افرادی مطمئن، خدا ترس و فروتن، انتخاب کن تا درباره آنان تحقیق و مسائل را به تو گزارش کنند. نیز پیوسته از آنان دلجویی کن چون مسئولین بر دوش زمامداران است. پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، و شخصاً بر رسیدگی کن، و در مجلس عمومی با آنان بی‌سزایان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن. بدون اضطراب با تو سخن بگویند. من از رسول خدا (ص) بارها شنیدم که می‌فرمود: «ملتتی که حقوق ناتوانان را از زورمندان، مصادقین را از ستمکاران، و ستمکاران را از ستمکاران ببرد، پس درستی و سخنان ناهموار آنان را تحمل کن. البته اگر اموری در راه تو باشد، از آن بگریز. هرگاه در راه تو باشد، از آن بگریز. هرگاه در راه تو باشد، از آن بگریز.»

(نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر، فراز هشتم، ترجمه مرحوم محمد باقر مشایخ)



لوح تشکر از استاد احمد مسجد جامعی

من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق

رئیس محترم شورای شهر تهران  
**جناب استاد احمد مسجد جامعی زید غره**

خدمات و تلاش‌های حضرتعالی در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی معلولین عزیز بر کسی پوشیده نیست. جنابعالی مفتخر هستید در هر منصب و موقعیتی بوده‌اید، به عنوان حلیمی این قشر بی‌بنا، فعالیتی گسترده می‌پذیرد داشته‌اید. دوره وزارت فرهنگ و ارشاد جنابعالی و اقدامات بی‌شمار که در عرصه نابیناییان، ناشنواییان و دیگر توان‌خواهان اجرا شد، سند افتخار دیگری است. از اینرو به دلیل آثار ماندگاری که در قلوب و در میراث این جامعه بر جای نهادید، مصداق بارز کلام حضرت امیر(ع) شدید حضرت خطاب به مالک اشتر فرمود هرگز معلولین را فراموش نکن. از بیت المال سهمی برای آنان قرار ده، به فکر مشکلات آنان باش. به آنان احم مکن، آنان را کوچک بشمار و شخصاً به امور آنها رسیدگی کن.

حضرت استاد مسجد جامعی، جنابعالی هم ما را فراموش نگردید و برای حل مشکلات ما کوشیدید. نیز جشنواره سوره عَبَسَ با تدبیر و راهنمایی‌های آن جناب به ثمر نشست و در گردهم آیی معلولین نخه سراسر کشور حضور یافته و مایه دلگرمی و نشاط آنان شدید. اما بهترین تحفه‌ای که سزاوار حضرتعالی یافتیم، فرازی از سخن حضرت امیر(ع) خطاب به مالک اشتر است. دفتر فرهنگ معلولین به نجات از دیگر نهادهای مردمی این تحفه درویشی را تقدیم می‌دارد و آرزوی توفیقات روز افزون برای حضرتعالی می‌نماید.

با احترام

محمد توری  
 دفتر فرهنگ معلولین  
 ۱۳۹۲/۸/۲۰



حضرت علم(ع) درباره معلولین به ملک اشتر و معمر فرمودند:

قَدْ قَالَ اللَّهُ فِي الْبَيْتَةِ السُّلْطَنُ مِنَ الدِّينِ لَا حِيلَةَ لَهُمْ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُسْتَجَابِينَ وَأَقْلَبَ الْبُؤْسَى وَالزَّمَنِي، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الْبَيْتَةِ قَائِمًا وَمُعْتَرًا، وَإِحْطَظَ لَهَا مَا اسْتَعْفَكَ مِنْ حَقِّهِمْ، وَاجْعَلْ لَهُمْ نَسْأًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ، وَقَسِّمَا مِنْ غَلَاتِ صِرَافِي الْأَشْرَامِ فِي كُلِّ يَدٍ، فَإِنَّ الْأَنْفُسَ مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَذَى، فَلَا تُشْفَكَكَ عَنْهُمْ بَطْلًا، فَلَا تُشْحِصْ حَمَكَ عَنْهُمْ، وَلَا تُصْغِرْ حَمَكَ لَهُمْ، وَتَقَدَّرَ أَمْرٌ مَنَ لَا يَحِلُّ لَكَ مِنْهُمْ مَنَ تَقْتَضِيهِ الْعُقُوبُ، وَتَحْفَرُ الرَّجَالُ، فَتَرَعُ لَا رَيْكَ تَنْفَكُ مِنْ أَهْلِ الْعَشِيَةِ وَالرَّضَاعِ، فَتَرَعُ لَكَ أَمْرٌ مَعَهُ، وَذَلِكَ عَلَى الْوَلَاءِ قَبْلَ، وَالْحَقُّ كَلِمَةُ قَبْلِ، وَقَدْ بَحَقَّقَهُ اللَّهُ عَلَى أَقْرَامِ طَلِيقِ الْعَائِيَةِ فَصَبَّرُوا أَنْفُسَهُمْ، وَزَيَّنُوا بِصِدْقِ مَوْلُودِ اللَّهِ لَهُمْ، وَاجْعَلْ لَذَوِي الْعَجَاجَاتِ مَلِكٌ قَسَمًا فَتَرَعُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصًا، وَتَجَلِّسْ لَهُمْ تَجَلِّسًا عَامًّا، فَتَتَرَاضِعُ فِيهِ هَلِ الَّذِي خَلَقَكَ، وَتَعُدُّ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَأَعْرَابِكَ مِنْ أَعْرَابِكَ وَتُرْطِبَكَ، حَتَّى يَكْفِكَ مَتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَنَعٍ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ: «لَنْ تَقْدَسَ أُمَّةٌ لَا يُؤَخِّذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقَّهُ مِنَ الْقُرْبَى غَيْرَ مُتَنَعٍ». ثُمَّ اخْتَبَلَ الْخُرْقُ مِنْهُمُ وَالْعَيْ، وَاسْتَعَى فِي إِجْمَالٍ وَإِعْدَارًا

آنگاه در خصوص طبقه گرفتار و محروم جامعه، که همه درها به روی آنها بسته است به تو هشدار می‌دهم؛ این طبقه عبارتند از: فقیران، نیازمندان، افراد زمین‌گیر، خاطر پریشان‌ها یا دردمندان. همانا گروهی از این طبقه، خویشتن داری کرده، اما گروه دیگر به گدایی اقدام کرده‌اند. پس به خاطر خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است: بخشی از بیت المال و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمیست اسلام را در هر شهری به این طبقه اختصاص ده. زیرا تفاوتی بین خودی و غیر خودی نیست و دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی از بیت المال دریافت می‌کنند. مبدا یا سرعستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد، بلکه همواره در فکر مشکلات آنان باش و به آنان احم مکن. به ویژه کسانی که از چشم‌ها دوراند و در منظر و مرئی نیستند، اولویت داشته و بیشتر سزاوار رسیدگی می‌باشند، چون نابیناان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دست می‌دهند. برای این گروه، افرادی مطمئن، خدا ترس و فروتن را به تو بسپار تا درباره آنان تحقیق و مسائل را به تو بیاموزند. همچنین باید به کسانی اختصاص ده که دلجویی کن چون مسئولیتی در عین بر دوش زمامداران است. پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، و شخصاً به امور آنان رسیدگی کن. در مجلس عمومی با آنان بنشین. مبارزان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا بدون اغماغ خود را با تو مشورت کنند. بارها شنیدم که می‌فرمود «ملتی که حقوق تاوانان را از زورمندان، بدون پرس و نرسوند یا سینه‌ها را بر سرشان بگذار نخواهد شد». پس درستی و سخنان تاهموار آنان را تحمل کن. البته تاوانی را نتوانستند از آن‌ها بگیرند یا مهریانی بجدیت بخواهی کن. (بهبلاغ، عهدنامه مالک اشتر).



## جمع بندی

متصدیان همایش‌ها و جشنواره‌ها پس از اتمام کار، معمولاً در یک نشست به تجزیه و تحلیل کارها، میزان موفقیت، علل شکست و عدم موفقیت در برخی کارها، درس‌ها و تجربه‌هایی که آموخته‌اند، می‌پردازند و خلاصه جمع‌بندی از همه امور عرضه می‌کنند. مدیریت این جشنواره نکات سودمند این جمع‌بندی را به عرض عموم می‌رساند:

۱- این جشنواره نشان داد معلولین از همه قشرها و دارای هر نوع معلولیت باشند علاقه‌مند به قرآن و عترت هستند و دوست دارند موضوعات مرتبط به فرهنگ قرآنی و حدیثی را فرا بگیرند.

۲- طی چند دهه فقط نشست و جلسه روخوانی، قرائت و حفظ برای جامعه هدف برگزار شده ولی در زمینه مفاهیم و فراگیری محتوای قرآن و ترویج آموزه‌ها و تعالیم قرآن کار نشده یا کمتر کار شده است. با اینکه تأثیر اینها بیشتر است.

۳- وقتی سخن از همایش و ترویج مفاهیم قرآن می‌شود، می‌گویند هزینه زیاد می‌خواهد و لیست بلندی از هزینه‌ها عرضه می‌شود، در حالی که این جشنواره نشان داد می‌توان جشنواره‌ای در سطح خوب با پانصد نفر شرکت‌کننده داشت و هزینه اندکی هم به کار گرفت.

۴- در عرصه فرهنگ قرآن و عترت، ده‌ها طرح ابتکاری می‌توان اجرا کرد، فقط یک شرط دارد و آن کارشکنی نکردن مدیریت و مسئولین. اگر کارها به خود مردم واگذار گردد می‌توان بهترین و مؤثرترین اقدامات را داشت.

۵- به جای اجراهای کلیشه‌ای و پرهزینه و غیر مؤثر، باید به نخبگان بها داد تا به اجراهای ابتکاری و مؤثر بپردازند.



فصل چهارم:

## **مستندات شرکت کنندگان**

طی یکصد سال اخیر جلسات و نشست‌های فراوان قرآنی بر پا شده و اقدامات نیک هم انجام یافته است. اما به دلیل ضبط و ثبت شدن اطلاعات این رخدادها، هیچ اثری از آنها در تاریخ نمانده است. هویت و شرافت و اعتبار هر ملت به تاریخ آن است و تاریخ هم مجموعه گزارش‌های رخدادها است. برای اینکه این جشنواره در تاریخ بماند، جزئیات آن هم در این فصل آمده است.



## فهرست نام‌های شرکت کننده

**شرکت کنندگان دارای زندگی‌نامه:** افرادی که در جشنواره شرکت کردند و زندگی‌نامه و مدارک آنها واصل شد به شرح زیر می‌باشد: البته از ابتدا قرار بود همه شرکت کنندگان زندگی‌نامه و مدارک بدهند تا به معرفی آنها بپردازیم ولی به هر دلیل و مثل دیگر همایش‌ها، عده‌ای مدارک تحویل ندادند. در صورتی که اگر معلولین در این جشنواره‌ها خود را معرفی و توانایی‌های خود را معرفی کنند، فاصله آنان با جامعه کم خواهد شد و بسیاری از مشکلات آنان برطرف می‌گردد.

مریم حیدر قهفرخی؛ سرور علمدار؛ میلاد چهارازی؛ رضوان علائی؛ نرگس ابراهیمی؛ افسانه حیدری؛ نرگس علی بابائی شهرکی؛ رؤیا فرهادی سرتنگی؛ افسانه کریمی‌پور؛ نسرین توکلی؛ درناز شاه ملک‌پور؛ مجتبی بهجتی؛ میترا آهنگریان؛ علی صابریان؛ حسن عبدالهی؛ زینب نقی‌پور آق‌درسی؛ ریحانه قنبری نائینی؛ اعظم قاسمی؛ سیده زهرا میراحمدی؛ طهورا ساجد؛ اکرم پورکاشانی؛ طیبه عبدلی؛ ملیحه چراغی؛ کبری صفائی صابر؛ رقیه میرزایی اوچموشی؛ مهدی ضیایی‌فر؛ هادی ضیایی‌فر؛ منصوره ضیایی‌فر؛ نرگس گل‌وردی؛ زهرا عبدلی؛ حسن عبدلی؛ حسین فرج‌زاده؛ حسن توکلی؛ فاطمه جعفری شمس آبادی.

**نابینایان قم:** طیبه عبدلی؛ زهرا عبدلی؛ ملیحه چراغی؛ فاطمه جعفری؛ فهیمه فهیمی؛ نرگس گل‌وردی؛ کبری صفائی صابر؛ ریحانه قنبری؛ رقیه میرزایی؛ منصوره ضیایی‌فر؛ هادی ضیایی‌فر؛ مهدی ضیایی‌فر؛ عباس چراغی؛ حسن توکلی؛ حسین فرج‌زاده؛ مسعود باقری؛ سعید محمدیاری؛ اعظم قاسمی.

**نابینایان تهران:** مرضیه حسینی؛ مریم علاء‌الدینی؛ زهرا علاء‌الدینی؛ ملکه پروین؛ فرشته کاظمی؛ قدرت دلاوری؛ پوپک شیروانی؛ علی صابری؛ زهرا میراحمدی؛ فاطمه پوراحمدی؛ محمدعلی علاء‌الدینی؛ فریده فاضل؛ مجتبی بهجتی؛ حسن عبداللہی؛ سلیمه قاسمی؛ مرضیه نوروزی؛ صغری رضایی؛ لیلا

پناهی؛ مهدی علیان؛ زهرا ساجد؛ بهاره رنجبر؛ پریسا آقامحمدی؛ شیما حسینی؛ ابوالفضل آقا محمدی؛ درنا ملک‌پور؛ میترا آهنگریان؛ فاطمه سنگانه؛ مرضیه شهریاری؛ زهرا عبداللهی؛ اکرم پورکاشانی؛ سلیمه شمشکی؛ علی سحرخیز؛ عباس اخوان؛ مریم کوه‌فلاح؛ انسیه افتخاری؛ طیبه موسوی.

**جامعه ناینبان کرج:** سید حسین طباطبائی؛ محمد اصلانی؛ فاطمه طباطبایی؛ کیوان معصومی؛ پروانه زینلی؛ سمیرا دهقانی؛ عباس فریادرس؛ زهرا واعظ؛ لیلا فرضی؛ سید عباس موسوی؛ امید موسوی؛ معصومه حسین‌زاده؛ علی حسین‌زاده؛ وحید حدیدچی؛ فاطمه اکبری؛ حمید امیدوارنیا؛ جمیله عبدی؛ فریبا صمدی؛ قنبر قاسمی؛ کوروش رشیدی؛ ژاله رستمی؛ ناهید اسدی؛ اعظم میروندی؛ مبین دهقانی.

**فرهنگسرای بهمن:** سعید آذرخوش؛ مهدی عبداللهی؛ زهره شوری؛ شیما شوری؛ اکبر آثاری؛ علی‌رضا سلامی؛ اعظم طیبی؛ ندا سلیمانی؛ فاطمه رحمانی؛ مریم رحمانی؛ رضا خلیلی؛ داوود حسنی؛ کمیل نوبختی؛ حمید واحدی؛ عباس سیادتی؛ ابراهیم باقری؛ محسن رستمی؛ حجت‌الله سنگانه؛ علی بلبلی؛ فاطمه خلیلی؛ رضا کمالی؛ مریم متقی؛ مرجان فیاضی؛ زهرا دلیر؛ داوود بسطام؛ حسین بسطام؛ رضا احیانی؛ ابوالفضل قاسمی.

**انجمن ناینبان ایران:** الهام رشیدی؛ زهرا طیبی؛ سکینه اصغریان؛ مهدی صادقی؛ زهرا شکوهی مهر؛ اکرم آسیایی طاهری؛ صدیقه خانی؛ اسدالله ساروق؛ عباس حسینی؛ الهه واحدی؛ منصور شادکام؛ علی‌اکبر جمالی؛ قاسم گودرزوند؛ رقیه واحدزاده؛ عقیل رحمت‌زاده.

**بنیاد روشندان اصفهان:** عصمت باقریان؛ معصومه سبحانی؛ سید حسین طباطبایی ندوشن؛ ابوالفضل قاسمی قمصری؛ مهدی صادقی خواجه‌ایم؛ رضا احیائی.

## زندگی نامه‌ها

از ابتدای جشنواره عبس از شرکت کنندگان تقاضا کردیم زندگی‌نامه‌ای مختصر از خودشان بدهند تا منتشر کنیم. عده‌ای که زندگی‌نامه دادند اکنون اینجا می‌آوریم:

**ابوالفضل قاسمی قمصری:** اینجانب در تهران در سی‌ام اردیبهشت ۱۳۵۶ متولد شدم. از بدو تولد با نابینایی زندگی را آغاز نمودم. دوران تحصیلی خود را تا سوم راهنمایی در آموزشگاه نابینایان شهید محبی بوده و ادامه تحصیلات را در مدرسه خزانلی به اتمام رساندم. پس از پایان تحصیلات مقطع دبیرستان در دو مدرسه به عنوان کمک مربی پرورشی کار کرده و با تشکیل یک گروه هنری با همکاری مرحومه ربابه صفایی به گذران امور پرداختم.

سپس در مرکز توانبخشی نابینایان و کم‌بینایان خزانه به لطف جناب آقای محمدمتقی سمیعی و سرکار خانم یثربی مشغول کار شدم. بعد به تشویق یکی از مددکاران موفق آن مرکز سرکار خانم رهبر در دانشگاه جهت ادامه تحصیل ثبت نام کرده و در مقطع کاردانی مربیگری پیش دبستانی خواندم.

در مقطع کارشناسی آسیب‌های اجتماعی گرایش پیشگیری از اعتیاد را قبول شده و فارغ‌التحصیل شدم. در حال حاضر حاصل زندگی‌م نیز یک دختر است که در حال تحصیل می‌باشد.

**الهام رشیدی:** به نام آنکه از پرتو رحمت بیکرانش نعمت حیات را به ما ارزانی داشت تا لختی در کسوت میهمان در سرای خاکی سکنی گزینیم و با توشه‌ی اندوخته، به دیار افلاک رجعت نماییم. من در سال ۱۳۵۷ آن زمان که درخت انقلاب اسلامی - ماه حاصل کوشش‌ها و رنج‌های هزاران تن از مردم زادگاهم ایران، به ثمر نشست، دیده به جهان گشودم. گویی تلاطم از همان آغاز در سرنوشت من رقم خورد. کودکی دوران طلایی زندگی‌ام بود همه چیز خلاصه می‌شد در بازی‌های کودکانه: وسطی، هفت سنگ، قایم باشک و... بزرگ‌ترین غم دنیا، باختن در بازی‌ها و بی‌رحمانه‌ترین تنبیه، قهرهای تا روز قیامت دوستان بود که نهایتاً چند ساعت بیشتر دوام نداشت و وسعت آرزوهایمان به داشتن یک عروسک سخنگوی بزرگ محدود می‌شد. هم بازی‌هایم فرشته‌های کوچکی بودند که روح مهربانی و گذشت سراسر وجود پاکشان را فراگرفته بود. آنان همواره در بازی‌های کودکانه نقش‌های بهتر و برتر را به من می‌دادند و چه در لحظه‌ی شکست و چه در زمان کامیابی تشویق می‌کردند و مراقب بودند. آن روزها این همه لطف بی‌شائبه را به پای دوست داشتنی بودنم می‌گذاشتم اما با گذشت زمان زندگی کم‌کم نقاب از چهره می‌کشید و روی دیگرش را نشانم می‌داد. نگاه‌های پرسش‌گر، آه کشیدن‌ها و شکر خدا گفتن‌های آدم‌ها وقتی از کنارم رد می‌شدند، بی‌توجهی بعضی‌ها و توجه بیش از حد بعضی دیگر، مراجعات مکرر به بیمارستان‌ها و مطب پزشکان و واژه‌ی تکراری «متأسفم» همه و همه سؤالی را در ذهنم تداعی می‌کردند. چرا؟ روزها به سرعت گذشتند و من هفت ساله شدم مانند سایر بچه‌ها آتش اشتیاق برای رفتن به مدرسه با دوستان هم سن و سال در وجودم شعله برافروخته بود و من هر شب رؤیای همراهی با آنان در مسیر مدرسه را در سر می‌پروراندم و از والدینم می‌خواستم که هر چه زودتر مرا به دبستان بفرستند. خوب به یاد دارم که اولین روز مهرماه زودتر از بقیه اهل خانه از خواب برخاستم و مادرم را بیدار کردم مادر آرام مرا در آغوش گرفت و در حالی که چشمانش تر شده بود گفت: «دخترم تو باید به یک مدرسه‌ی مخصوص بروی» پرسیدم چرا مادر؟ مدرسه‌ی مخصوص یعنی چه؟ پاسخ مادر دنیایم را دگرگون کرد و اینجا بود که برای اولین بار معنای تفاوت را تجربه کردم مادر

برایم توضیح داد که چند ماه پس از تولدم به عنوان دختر سوم خانواده گریه‌ها و بی‌قراری‌های بی‌پایم همه‌ی اطرافیان را متوجه وجود امری غیر طبیعی در من کرده بود و پس از آن که عمل به توصیه‌های پزشکی بزرگان فامیل که هر کدام بنا به تشخیص خود راهکاری را به مادر جوان و کم‌تجربه‌ام پیشنهاد می‌دادند، افاقه نکرد، وی که دریافته بود کودکش در تاریکی آرام می‌گیرد، نزد چشم‌پزشکی مراجعه کرده و پس از انجام معاینات و استماع شرح ما وقع، پزشک دریافته بود که دچار بیماری آب مروارید زودرس شده‌ام و باید به سرعت تحت عمل جراحی قرار بگیرم. مادر گفت که چگونه او و پدرم همه‌ی پس‌اندازشان را در طبق اخلاص گذاشته و مرا در بیمارستان خصوصی به امید انجام جراحی موفق‌تر بستری نمودند. اما گویی تقدیر به نحوی رقم خورده بود که دست‌های توانای پزشک تنها توانست یک دهم از بینایی هر یک از چشمانم همراه با بیماری خطرناک فشار چشم را برایم به ارمغان بیاورد. و آن روز گذشت. هفته‌ی بعد پدر با خوشحالی به منزل آمد و مزده داد که توانسته مرا در تنها مدرسه‌ی نابینایان دخترانه‌ی آن زمان ثبت نام کند. صبح روز شنبه مادرم مرا خیلی زود در تاریکی هوا از خواب بیدار کرد و با یک ساک دستی همراه پدر، راهی مدرسه شدم. احساس غریبی داشتم آخر چرا باید صبح به این زودی آن هم با یک ساک، به مدرسه می‌رفتم؟ از خانه‌ی ما در جنوب شهر تا مدرسه در شمال شهر دو ساعت با ماشین پدر راه بود در مدرسه خانم مهربان به پیشوازم آمد و ساک را از پدر گرفت و مرا از او جدا کرد و در حیاط مدرسه میان صف بچه‌های کلاس اول جای داد. بغض گلویم را می‌فشرد برای مادر و خانه دلم تنگ شده می‌خواستم هر چه زودتر مدرسه تمام شود و به خانه باز گردم. در مدرسه با کودکان هم سن و سال خود آشنا شدم و دوستان جدیدی پیدا کردم برخی از آنها مانند من کم‌بینا با عینک‌های ته استکانی که روی صورتشان سنگینی می‌کرد بودند و دیگران کاملاً نابینا. در آنجا بچه‌های کم‌بینا با خط درشت و نابینایان با خط بریل آموزش داده می‌شدند. دلم عجیب گرفته بود. مدام اشک می‌ریختم. زنگ پایان کلاس آخر که به صدا درآمد. سراسیمه به سمت در دویدم بی‌صبرانه منتظر آمدن پدر بودم اما هر چه ایستادم او نیامد. گریه‌ام شدت گرفت خانم مهربانی که بعدها فهمیدم سرپرست خوابگاه من است به سراغم آمد و پس از

دلداری مرا به سوی اتاقم راهنمایی کرد او با حوصله برایم شرح داد که چون یک مدرسه‌ی استثنایی برای کودکان نابینای دختر در تهران وجود دارد، لذا دانش‌آموزان برای تحصیل از سراسر کشور به اینجا می‌آیند و به دلیل دوری راه، به صورت شبانه‌روزی در آن زندگی می‌کنند. خانواده‌ام آخر هر هفته به دیدارم می‌آمدند و مرا با خود به منزل می‌بردند آن روزها پنجشنبه بهترین و شنبه بدترین روزهای هفته برایم به حساب می‌آمدند. ولی چاره‌ای جز تحمل نبود. ادامه‌ی تحصیل تنها راه پیشرفت من با توجه به شرایط فیزیکی و وضعیت خانوادگی‌ام که دارای چند فرزند و با درآمد متوسط بودند، به نظر می‌رسید. به هر حال دوران تحصیل را با همه‌ی مشقّات و تجربیاتش با موفقیت به پایان رساندم. در دوران تحصیل به دلیل ضعف بینایی و با توجه به امکانات محدود مدرسه که تنها یک تلویزیون برای همه‌ی بچه‌ها آن هم در سالن غذاخوری داشت. با رادیو انس بیش و ویژه‌ای پیدا کرده بودم بنابراین بزرگ‌ترین آرزویم در این دوران تبدیل شدن به یک گوینده و یا بازیگر رادیویی بود خاصه اینکه به لطف خدا از زیبایی صدا و نعمت فصاحت کلام هم بی‌بهره نبودم با همین تصور همواره در خلوت خود مشغول شعرخوانی و تمرین گویندگی می‌شدم و از اینجا بود که ذوق ادبی و هنری در من رشد کرد پس از اخذ مدرک دیپلم در رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی بر آن شدم که استعدادهایم را در زمینه‌های ورزشی، هنری، ادبی و معارف اسلامی شکوفا کنم لذا بدو در فرهنگسرای قرآن به فراگیری تفسیر قرآن و علوم دینی مشغول گردیده و سپس به دلیل علاقه‌ی فراوان به هنر گویندگی، دوره‌های مربوطه را در استودیو آوا وایسته به صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران طی کردم تا آنجا که توانستم در شبکه‌ی بین‌المللی جام جم به اجرای برنامه‌ی پیردازم کلی از آنجا که همکاری با تلویزیون به صورت فصلی و پروژه‌ای انجام می‌شد، تصمیم گرفتم پس از طی دوره‌ی اپراتوری تلفن، در کسوت اپراتور در یکی از بیمارستان‌های تهران افتخار خدمت به جانبازان عزیز را نصیب خود گردانم. به دنبال این امر، در دوره‌های آموزشی هنرهای دستی شامل مکرمه و مروارید بافی ثبت نام کردم. ورزش هم یکی از مسائلی بود که همواره ذهن مرا به خود مشغول می‌ساخت. پیوسته به این

می‌اندیشیدم که در کدام رشته‌ی ورزشی می‌توانم موفق باشم تا اینکه یک روز در سفری که با خانواده به شمال کشور داشتیم هنگامی که در کنار دریای زیبا و متلاطم شکوه و عظمت آفرینش را به نظاره نشستیم بودیم ناگهان صدای ناله و فریاد مردی را شنیدیم که می‌گفت: «خداوندا چه کنم دختر هیجده ساله‌ام از دست رفت. دخترم، این هم آن دریایی که برای دیدنش به آب و آتش می‌زدی و التماس می‌کردی. ببین چگونه تو را طعمه‌ی خود ساخت؟» شنیدن این سخنان تلخ تکانه داد و مرا بر آن داشت که در رشته‌ی شنا مشغول فراگیری با ممارست فراوان شوم تا حدی که توانستم در مسابقات کشوری در رشته‌ی کراول سینه مقام دوم و کراول پشت مقام سوم را از آن خود ساخته و به عضویت تیم ملی شنای بانوان نابینا درآیم اکنون قصد دارم با بهره‌گیری از توانم در عرصه‌ی نگارش، مقالاتی را با موضوع معلولین، طرز برخورد با آنها و دیدگاه مذهب در این مقوله و چالش‌های پیش روی این قشر و طریق گذشتن از موانع زندگی، بنویسم. باشد که از این رهگذر بتوانم خدمتی را به هموعانم ارائه نمایم و به سایرین بیاموزم که موفقیت در کسب انواع مدارج عالی نیست بلکه انسان خوشبخت و موفق کسی است که به قدر توان از مواهب زندگی و استعدادها و امکاناتش بهره برده و در درون احساس آرامش و رضایت را برای خویش به تحفه آورد که بی‌شک خالق هستی، اشرف مخلوقات را توان آن قدر داده است که همه‌ی موانع را درنوردد.

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل

اگر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم.

**اعظم طیبی:** اینجانب اعظم طیبی جبلی به سال ۱۳۵۴ در اصفهان زاده شدم و دومین فرزند خانواده هستم. من درخشان‌ترین دوران زندگی خود را، دوران تحصیل می‌دانم؛ چون برایم بسیار خوشایند و شیرین گذشت. اگر حمل بر خودستایی نباشد، از دانش‌آموزان کوشا و موفق مدرسه بودم؛ چه آن زمان که در مدرسه عبدالعظیم درس می‌خواندم و چه زمانی که به مدرسه نرجس رفتم، تلاش می‌کردم تا وظایف خود را به عنوان یک دانش‌آموز خوب ایفا نمایم. در سال ۱۳۷۵ در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز پذیرفته شدم. همزمان با ورود به دانشگاه، با مشکلات زیادی روبرو گردیدم که پیش از آن با آن دشواری‌ها دست و پنجه نرم نکرده بودم. از جمله این مشکلات، نبود کتب درسی دانشگاهی به صورت گویا و بریل (خط ویژه نابینایان) بود. من ناچار بودم تا برای ضبط کردن کتاب‌ها بر روی نوار، به این و آن رو بیندازم. گاهی می‌شد که جزوه‌ای تا شب آزمون آماده نمی‌شد. و آن درس را با دشواری بسیار می‌گذراندم. با هر رنج و زحمتی بود، چهار سال دوران دانشگاه را هم پشت سر نهاده و مدرک کارشناسی را دریافت کردم.

پایان تحصیل در دانشگاه، آغاز راه پر فراز و نشیب جستجوی شغل بود. پس از کند و کاو فراوان، شغلی در مؤسسه کانون فرهنگی آموزش (قلمچی) یافتیم و مشغول به کار شدم. اشتغال من در آن مرکز موجب شگفتی برخی از کارکنان همان مؤسسه شده بود. در باور آنان نمی‌گنجید که دختری نابینا و بدون امکانات لازم، بتواند پا به پای افراد بینا مشغول کار شود. اشتغال من در مؤسسه قلمچی سه سال ادامه داشت؛ تا آنکه در سال ۱۳۸۶ ازدواج کردم و تصمیم گرفتم تا کارم را رها کرده و به ساختن محفل گرم خانه و بنیاد خانواده بپردازم.

از دل مشغولی‌های من در دوران زندگی‌م، مطالعه کتاب‌های رمان و آموزش زبان انگلیسی بود. ولی مهم‌ترین سرگرمی من، خواندن کتب مذهبی و ادعیه از جمله نهج البلاغه و صحیفه سجادیه بوده و هست. توجه به امور مذهبی شاید امری فطری باشد که در نهاد انسان‌ها هست ولی پرورش این قوه و بالفعل کردن آن، وظیفه خانواده و اجتماع است. خوشبختانه من این بخت و اقبال را داشتم که از



## فصل چهارم: مستندات شرکت کنندگان ۴۱

---

کودکی با قرآن و کتاب‌های دینی و مذهبی آشنا شدم و تا امروز هم این هم‌نشینی با قرآن از افتخارات این بنده است.

مهدی صادقی: به نام آفریننده مهر و مهتاب؛ چشم‌ها، پنجره‌های باز رو به تجلی و معرفت، رندهای جاری به سمت حقیقت...  
 من مهدی صادقی، در اول بهمن در یک زمستان سرد، چشم‌هایم را گشودم، رو به آفتاب، رو به انعکاس نور...  
 من دنیا را با قلبم حس خواهم کرد، حال که تقدیر من تاریکی است، من در مقابل معبودم گردن خم خواهم کرد، خداوندا تو خواستی و من همچون بیدی سرم را به پایین خواهم افکند و سپاس خواهم گفت... سپاس...  
 زندگی جریان دارد و من گرچه بنا به مشکلاتی تحصیلات خویش را ناتمام گذاشتم، اما رؤیاهایم، دریاها را در برمی‌گیرد، رؤیایی که روزی بنویسم و دنیا بخواند که در پس این تاریکی دریایی از الماس امید می‌درخشد...  
 امروز که در ۲۴ سالگی به سر می‌برم هنوز قلبم در پس پنجره‌های مهربانی به انتظار نشسته و منتظر دستی برای گرفتن و نوازش است، می‌دانم و یقین دارم فردا به سپیدی برف خواهد بود.

**سید حسین طباطبایی:** اینجانب متولد ندوشن به سال ۱۳۴۶ هستم و لازم است شما را با ندوشن آشنا کنم. من در دوم فروردین ۱۳۴۶ در روستای ندوشن با مشخصات جغرافیایی طول جغرافیایی ۳۳/۵۳ و عرض جغرافیایی ۳۲/۲ واقع در استان یزد متولد شدم، سومین فرزند زنده‌ی خانواده بوده‌ام.

شاید تا حدود دو سالگی هیچ کس نمی‌دانست که چشمانم نمی‌بیند. خودم که تا ده سالگی هیچ گونه تفاوتی با بچه‌های هم سن را حس نمی‌کردم. خانواده‌ام مذهبی و معمولی بود. پدرم، خدا بی‌امر، شغل اصلی‌اش زیلوبافی و به صورت فرعی به کشاورزی هم می‌پرداخت. مادرم خانه‌دار بود و در امور کشاورزی و همچنین نگهداری از همان چند گوسفندی که داشتیم همراهی خستگی ناپذیر بود. هفت یا هشت ساله بودم که مانند دیگر بچه‌ها به مدرسه رفتم، اما مثل آنها درس نخواندم. به درس‌های حفظی توجه می‌کردم و از سمت معلمین تشویق می‌شدم. با این حال چیزی از دوره‌ی ابتدایی در خاطر من نیست که درس‌های عملی و غیر حفظی‌اش چه بود. (خواندن و نوشتن را نمی‌دانستم)

آن قدر در به خاطر سپردن دروسی مانند تاریخ و جغرافی حتی کلمات زبان اشکال هندسی و غیره موفق بودم که همواره برای دیگر دانش‌آموزان الگوی یادگیری معرفی می‌شدم.

در طول یکی از سال‌های تحصیلی زمانی که هنوز استان یزد، استان نبود و لاقلاً از حیث آموزش و پرورش وابسته به مرکز فارس بود، به هنگام بازدید نماینده‌ی ویژه‌ی مدیر آموزش پرورش منطقه فارس از مدرسه‌ی راهنمایی ندوشن به شرایط چشمی من توجه شد و طی نامه‌ای از خانواده‌ام درخواست گردید که به شیراز مهاجرت کنند تا برای درس خواندن صحیح به مرکز شبانه روزی ناینیایان شیراز بروم. ولی خانواده به ویژه پدرم که از اساس با حکومت شاهنشاهی سخت مخالف بود و عوامل حکومتی را نیز قبول نداشت هرگز به این پیشنهاد تن نداد. مهاجرت به کرج

از آنجا که روستای ما فاقد دوره‌ی دبیرستان بود برادر بزرگ‌ترم، جهت ادامه‌ی تحصیل ناگزیر بود تا شهر یزد و یا جای دیگری را برای گذراندن دوره‌ی دبیرستان انتخاب کند که نهایتاً با نظر خانواده و بستگان حاضر در کرج برادرم نیز به کرج

مهاجرت کرد و این آغازی بود بر هجرت خانوادگی ما. یک سال بعد از مهاجرت برادرم ما نیز به او ملحق شدیم. وسیله‌ای که ما را به کرج رساند یک وانت از اقوام بود که با هزینه‌ی ششصد تومان خودمان و وسایلمان را حمل کرد. رسیدنمان یک روز و شب طول کشید. تابستان ۵۶ ما کرج بودیم و به کمک یکی از دوستان نابینای کرجی که تازه آشنا شده بودیم شرایط اما با سرعت کم برای حضور من در مدرسه‌ی شهید محبی فراهم می‌شد، و بالاخره مهرماه سال ۵۹ به مدرسه رفتیم و به طور رسمی فراگیری ابتدایی را شروع کردم با اینکه ۱۳ سالم بود.

سال اول و دوم ابتدایی را با وجود تعطیلی دو ماهه‌ی مدرسه به خاطر شروع جنگ طی یک سال با موفقیت گذراندم. سال‌های باقی ابتدایی را معمولی پشت سر گذاشتم.

#### قسمت سوم - جنگ

در این سال‌ها آنچه بیش از هر چیز فکرم را به خود مشغول می‌کرد و تا حد زیادی آزارم می‌داد وضع مالی خانواده و جنگی بود که فرد فرد ایرانی را درگیر کرده بود. و من در این اندیشه که چرا نمی‌توانم نقشی هر چند کوچک در این بحران داشته باشم.

همزمان با آغاز سال ۶۳ برادر کوچک‌ترم، سید رضا به عضویت بسیج درآمد و با پشت سر گذاشتن دوره‌ی آموزشی به جبهه اعزام شد. در این دوران آنچه مرا سخت آزار می‌داد رفتن و برنگشتن دوستان و هم‌بازی‌هایم بود که یکی پس از دیگری شهید می‌شدند و من شرمنده و عاجز از کم‌ترین کار مفید.

با فرا رسیدن بهمن‌ماه ۶۳ زمزمه‌ی اعزام اولین گروه تبلیغی معلولین به مناطق جنگی مرا بی‌نهایت خوشحال کرد و خود را هر لحظه نزدیک‌تر به آرزویم می‌دیدم. گروه تبلیغی متشکل بود تعدادی قاری مداح و گروه سرود که من عضو فعال گروه آخر بودم. هرگز فراموش نمی‌کنم هم‌زمان با اعزام گروه ما به مناطق جنگی برادرم از جبهه به مرخصی آمده بود و آخرین دیدار ما در دنیای خاکی همان دیداری بود که در مدرسه‌ی شهید محبی اتفاق افتاد و او برای خداحافظی به آنجا آمد.

## فصل چهارم: مستندات شرکت کنندگان ۴۵

---

این اعزام تبلیغی حدود ۲۵ روز طول کشید و فقط چند روز بعد از برگشت ما سید رضا در عملیات بدر در جزیره‌ی مجنون به شهادت رسید. شهادت برادرم انگیزه‌ی مرا در جهت تلاش به منظور حضور مجدد و جدی در جبهه‌ها صد چندان کرد تا جایی که بارها و بارها در خلوت یونیفرم نظامی می‌پوشیدم و مدت‌ها در آن حال می‌گریستم و افسوس می‌خوردم که نمی‌توانم در جنگ شرکت همه جانبه داشته باشم.



ضمائم



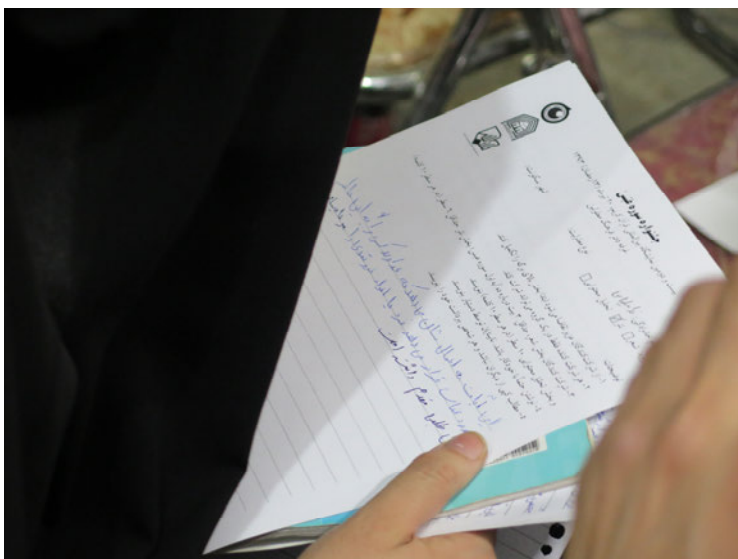


## تصاویر



























## منابع مطالعاتی

افراد شرکت کننده منابعی را برای مطالعه نیاز داشتند و فراوان از منابع مطالعاتی می‌پرسیدند. متأسفانه آثار مستقل یعنی کتاب و مقاله درباره سوره عَبَسَ غیر از یک کتاب که توسط دفتر فرهنگ معلولین منتشر شده بود، در آن زمان چیزی نداشتیم. البته کتاب دیگری درباره این سوره توسط همین دفتر بعداً منتشر شد. این دو اثر اکنون معرفی می‌شوند:



**سوره روشندان: تکریم نایینیان در قرآن کریم.** قدرت‌الله عفتی، ۱۳۹۱، ۴۰ص، پالتویی.

سوره «عبس» که برخی از دانشمندان علوم قرآنی و مفسران آن را سوره اعمی (نایینا) نامیده‌اند، نشان دهنده مواضع قرآن و اسلام درباره روشندان است. تنها سوره‌ای است که اعمی نامیده شده و خطاب آن از ابتدا بسیار طرفدارانه و ضد کسانی است که روشندان را تحقیر می‌کرده‌اند. محقق در این کتاب گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در تفسیر المیزان و تفسیر نمونه درباره این سوره را جمع‌آوری و تدوین کرده است.



مستندات حقوق فردی و  
اجتماعی معلولان

تأليف: دکتر سعید  
آراء تفسیری: دکتر سید محمد سعید حسینی



**مستندات حقوق فردی و اجتماعی معلولان: آراء تفسیری شیعه درباره سوره اعمی (نابینا).** به کوشش: جمعی از پژوهشگران دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۵، ۳۱۲ص، وزیری.

مولف درصدد است متون تفسیری درباره سوره عبس (یا سوره اعمی) را کاوش و با گزینش بهترین آنها یک جلد شامل حدود چهل متن از دیدگاه‌های مفسران شیعه به زبان فارسی عرضه کند. اما صرفاً متن نیست بلکه به بررسی مقایسه‌ای متون و استخراج و برجسته‌سازی نکات حقوقی مهم هم پرداخته است. یکی از مستندات و مصادر فقیهان به هنگام استنباط احکام و اجتهاد وظایف مکلفین قرآن کریم است. همچنین امروزه حقوقدانان بر اساس آراء مفسرین و دیدگاه‌های تحلیل‌گران قوانین را به دست می‌آورند و تدوین می‌کنند. در مورد معلولین همین رویه وجود داشته است. از این‌رو برای سهولت در پژوهش‌های فقهی و حقوقی، دفتر فرهنگ معلولین به گردآوری، جمع‌بندی و تنظیم مستندات قرآنی مبادرت کرده است.